

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۲۷ جون ۲۰۱۲

درحاشیه کارزار تریبونال لندن

تریبونالی که پایش درمقابل تحریم جنایتکارانه اقتصادی و تجاوز ضد بشری نظامی به ایران بلنگد، تریبونال مردمی نیست

"دادگاه جمهوری اسلامی ایران به جرم جنایت علیه بشریت" تحت نام «کارزار مردمی ایران تریبونال» از روز هجدهم تا بیست و دوم جون» در لندن برگزار شد و هدفش را از این دادگاه محاکمه رژیم جمهوری اسلامی به خاطر قتل های عام وحشیانه در سالهای ۶۰ و ۶۷ و به طور کل کشتار مخالفان رژیم در طول سی سال اعلام داشته است. این دادگاه از سوئی کوشیده است خود را "دادگاه راسل" که دادگاهی برای محکومیت جنایت امپریالیست امریکا در ویتنام بوده جلوه دهد و از همین رو همه سازمانها، احزاب و شخصیتهای سیاسی را به حمایت از این کارزار سیاسی دعوت نموده است.

در همین رابطه برخی از سازمانها و احزاب و فعالان سیاسی در تارنماهای مختلف به اظهار نظر پرداخته ضمن خط کشی روشن با رژیم منفور جمهوری اسلامی و محکوم کردن تمام جنایات سی و سه ساله اخیر در ایران به انحراف و افشای ماهیت این تریبونال نیز پرداخته و با اعلام موضع روشن علیه تحریم جنایتکارانه اقتصادی و خطر تجاوز احتمالی به ایران به پیوند مبارزه دمکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی تأکید ورزیده اند. هیأت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) از جمله سازمانهایی است که مسؤولانه طی انتشار بیانیه ای تحت عنوان "درباره تریبونال لندن، درجست و جوی حقیقت یا بازی در بساط دیگران؟! مؤرخ ۲۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۱ به طور مفصل به افشای دست اندرکاران این کارزار پرداخت و جسورانه اعلام داشت سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باید از طریق انقلاب مردم ایران به سرانجام برسد و نه از طریق "دخالتهای بشردوستانه" قدرتهای جهانخوار. حزب ما از این موضع گیری روشن و مسؤولانه سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) دفاع می کند و آن را در خدمت به مردم ایران و منطقه و همه آزادیخواهان و دمکرات و نیروهای مستقل و مترقی ارزیابی می نماید.

حزب ما بارها تأکید کرده است که نیروهای انقلابی میهن ما باید با تجزیه و تحلیل از سیاست‌های امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه، نیات و هدف تبلیغات آنها را پیدا کرده و آن را افشاء سازند. نمی‌توان به خاطر تنفر به حق از رژیم استبدادی و جنایتکار جمهوری اسلامی، چشم را بر واقعیات روز بست، درخت را دید اما جنگل را ندید و مواضع ژورنالیستی، مبهم و شک برانگیز در قبال اوضاع ایران و منطقه اتخاذ کرد. برخورد صریح و روشن و شفاف در قبال نقش امپریالیسم امریکا و تشدید رقابت‌های امپریالیستی بر سر مواد خام و انرژی، اشغال کشورهای افغانستان و عراق و لیبیا و توطئه علیه خلق سوریه، ادامه کشتار خلق فلسطین، تحریم ضد بشری و غیر قانونی و قدرمثنائه اقتصادی علیه مردم ایران و آغاز جنگ فرسایشی و احتمال تجاوز نظامی به میهن ما و... مسائل مهمی هستند که تنها در پرتو درک صحیح از ماهیت امپریالیسم و شناخت دیالکتیکی از تضادهای جاری در جهان می‌توان بدانها پاسخ علمی داد. باید نظر نیروهای مردمی را در ایران به این حقیقت جلب کرد که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها تلاش دارند تحت نام "دفاع" از حقوق دموکراتیک مردم ایران و دامن زدن به نفاق قومی و ملی و تجزیه طلبی، مردم را از پیشروی برای تحقق حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی در یک ایران مستقل و آزاد و دموکراتیک بازدارند. همانطور که در عراق و دیگر کشورها باز داشته اند و مبارزات به حق مردم را به کجراه کشانده اند.

حزب ما بارها تأکید کرده است که تحریم‌های جنایتکارانه اقتصادی و تهدید اتمی باراک اوباما علیه مردم ایران و از طرفی حمایت همه جانبه از اسرائیل صهیونیست که صاحب سلاح اتمی است و خاک چند کشور را به اشغال خود در آورده، موضوع مهمی است که همه گروه‌ها و جریانات دموکرات و مستقل و میهن‌دوست باید بدان توجه کنند و درمقال جهانخواران امپریالیست که قصد پاره پاره کردن کشور ما را دارند بایستند و نقاب از چهره نوکرانشان بدرند و به همه کسانی که به بازیچه دست آنها و پارکابی دشمنان خلقها در زورگویی به ایران تبدیل شده اند، بپردازند.

راه مبارزه با این انحرافات و جدا کردن سره از ناسره تکیه مقتضی بر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و توجه به ارتباط بلاواسطه جنبش دموکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی است. راه خنثی کردن تحریکات و دسیسه‌های امپریالیستی، پیوند جنبش دموکراتیک عمومی مردم با جنبش کارگری از طریق طرح خواست‌های کارگران است. راه مقابله با دسیسه دشمن، توجه به صحت اخباری که باید توزیع شود، مضمون شعارها و اعلامیه‌هایی است که گروه‌ها و شخصیت‌ها می‌دهند و امتناع از موضع‌گیری علیه امپریالیسم و صهیونیسم آب ریختن به آسیاب جهانخواران بین‌المللی است. مبارزان آزادیخواه و ضد رژیم خارج از کشور باید از همکاری با مراکز بی‌هویت و مشکوک خودداری کنند. مراکزی که اتفاقاً از امکانات تبلیغاتی و مالی فراوانی برخوردارند و مانند قارچ از زمین روئیده‌اند و دارای هیچ پیشینه سیاسی نیستند، باید به زیر ذره بین گرفته شوند.

حزب ما بنابراین اصول و پرنسپهای فوق یکی از اولین نیروهای سیاسی بوده است که به افشای بی‌امان جریاناتی که در قبال سیاست کمک مالی هفتاد میلیون دلاری امپریالیست امریکا به اپوزیسیون ایران مودیان سکوت پیشه کرده و با توجیه و ترفند استفاده از "تضادهای اردوی دشمنان" جهت براندازی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به جاده صاف کنان معنوی امپریالیست تبدیل شده اند، پرداخته و هیچ گاه منافع کوتاه مدت را فدای منافع دراز مدت و اصول انقلابی خود نکرده است. دهها مقاله تحلیلی در مورد نقش امپریالیسم در ایران و منطقه و سازمانهای غیر دولتی و افشای عوامل صهیونیسم و برخی از جریانات منحرف سیاسی که تمام اصول انقلابی گذشته خود را فدای دلار و یا یوروی امپریالیستها کرده اند دلیلی بر مدعای ماست.

بیانیه راه کارگر روینده و امید بخش است. به امید پیکارهای مشترک تمامی نیروهای انقلابی ضد رژیم و ضد صهیونیست و ضد امپریالیست. قسمتهائی از اطلاعیه سازمان راه کارگر درباره این تریبونال را در زیر می خوانید:

«..... سرپرست تیم دادستانی این دادگاه «پیام اخوان» از گردانندگان مرکز «اسناد حقوق بشر ایران» است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی است که بخش اصلی بودجه آن توسط دولت‌های امریکا و کانادا و نیز نهادهای وابسته به طبقه حاکم امریکا تأمین می‌شود. این نهادها و نهادهای مشابه علی‌رغم ادعای بی‌طرفی سیاسی از ابزارهای پیش‌برد سیاست‌های جهان‌خوارانه دولت امریکا بوده و ربطی به منافع مردم ایران ندارند.»

پیام اخوان همچنین مشاور حقوقی اول دفتر دادستانی دادگاه لاهه در محاکمات میلوشوویچ و رواندا از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۰ بود. تردیدی در جنایاتی که اسلوبودان میلوشوویچ و سایر همدستان صرب وی در یوگسلاوی مرتکب شدند، وجود ندارد. اما غایب بزرگ در این محاکمات، سران قدرت‌هایی بودند که شرایط تجزیه یوگسلاوی را فراهم کرده و جنگ داخلی در این کشور میان ملیت‌های گوناگون را برای پیشبرد سیاست‌های جهان‌خوارانه خود و تجزیه یوگسلاوی کارگردانی کردند. آیا امثال جورج بوش و تونی بلر و شرکاء به خاطر محاصره ده ساله عراق که قتل صدها هزار کودک عراقی را در پی داشت و سپس تجاوز به خاک عراق و قتل‌عام صدها هزار نفر دیگر برای تسلط بر ثروت‌های نفتی این کشور و یا رسوائی‌هایی نظیر جنایات زندان ابوغریب ... نباید در دادگاه‌های مشابه محاکمه می‌شدند؟ آیا این نوع دادگاه که تنها شکست خوردگان سیاست‌های پولیس جهانی را به محاکمه می‌کشد در خدمت دادخواهی واقعی و برقراری عدالت است یا برای دستیابی به‌هدف‌های مورد نظر فاتحان نظم جهانی حاکم!

آیا بودجه دولتی که کودتای سیاه سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق را سازماندهی کرده؛ اولین تجربه دمکراسی سیاسی در خاورمیانه را به‌خاطر تسلط بر منابع نفتی ایران نابود ساخته؛ حافظ همه دیکتاتورهای خونریز و فاسد خاورمیانه است؛ علیه هر خیزش مترقی برای آزادی و برابری بوده و هست؛ نقش مستقیم در حمایت از استبداد سلطنت پهلوی و اعدام هزاران کمونیست و آزادی خواه در کشورمان داشته؛ به‌خاطر جنگ انداختن بر منابع نفتی لیبیا تحت نام «مداخله بشردوستانه» کشور لیبیا را به سرزمین سوخته تبدیل می‌کند، می‌تواند در راه مبارزه برای دمکراسی در ایران به کار افتد؟ پاسخ روشن است. این بودجه در خدمت تغییر رژیم از بالا و منجمد کردن حرکت مردم برای تحمیل یک رژیم وابسته هزینه می‌شود. آیا سیاست دولت امریکا در خاورمیانه جز تبدیل دیکتاتورهای متمرکز به دیکتاتورهای خودی است؟ آیا حقوق بشر ادعائی دولت امریکا - که ما آن را به خوبی در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو دیده‌ایم- جز وسیله‌ای برای پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی است؟»

..... راسل متفکری بود با مواضع بسیار روشن در برابر جنایات امپریالیسم امریکا. اما اکنون همانطور که در بالا اشاره کردیم رئیس تیم دادستانی تریبونال، یکی از برگزیدگان و نورچشمی‌های سرمایه جهانی است و متأسفانه توانسته است اتحاد نیروهای طرفدار امریکا با برخی از نیروهای مدعی چپ و سوسیالیسم را سازمان دهد. این واقعیت که گردانندگان این تریبونال حاضر نیستند تحت هیچ عنوانی علیه تحریم‌های ویرانگر که گلوی مردم ایران را در چنگال خود می‌فشارد و تهدیدهای جنگی امریکا و متحدش اسرائیل موضع‌گیری کنند، نشان دهنده پلاتفرم این اتحاد نامقدس و سیاست ائتلافی آن‌ها می‌باشد. تحریم‌های فراگیر و تهدید جنگی اکنون دو بازوی اصلی پیشبرد سیاست امپریالیسم امریکا برای تغییر رژیم در ایران و جایگزین کردن رژیمی وابسته به خود در کشورما به جای فاشیسم مذهبی حاکم است.»

..... آنچه تازگی دارد این است که بخشی از نیروهای به اصطلاح چپ رادیکال با طفره رفتن از اتخاذ سیاست روشن و شفاف علیه رئوس اصلی سیاست‌های امریکا با نیروهای وابسته به نهادها و سیاست‌های امریکا وارد ائتلاف شده و دادستانی این محاکمه را به آن‌ها واگذار کرده‌اند. «سازمان اقلیت»، «کمیته مرکزی راه کارگر» و «حزب کمونیست کارگری» از جمله این نیروها هستند که علناً با صرفنظر کردن از مواضع روشن ضدامپریالیستی، به همکاران این پروژه تبدیل شده‌اند. سازمان ما با تأکید بر سنت پیکار جویانه ضدامپریالیستی چپ ایران، این انحراف را محکوم می‌کند و از فعالان این سازمان‌ها می‌خواهد که رهبران‌شان را در برابر سیاست‌های اتخاذ شده وادار به پاسخگویی کنند. این بخش از چپ ایران خط قرمز استقلال و عدم ائتلاف با نیروهای طرفدار سیاست‌های امریکا را به کناری نهاده و در حقیقت سنت پیکار جویانه هزاران مبارز انقلابی چپ جان‌باخته و پیکار جوی رادیکال کشورمان را پایمال کرده‌اند. ما این انحراف غیرقابل چشم‌پوشی را قویاً محکوم ساخته و دلایل مضحکی را که این نیروها برای توجیه سیاست‌های خود اقامه می‌کنند را مردود می‌دانیم.»

می‌توان با تحلیل‌های مندرج در این بیانیه زاویه داشت. اما در یک نکته تردیدی نیست و آن جهت‌گیری اصولی و شجاعانه بیانیه در امتناع از تبدیل شدن به ابزاری در دست صاحبان سرمایه‌های جهانی است. این تداوم همان مقاومتی است که نسل به‌خاک افتاده زندانیان دهه سیاه شصت جان‌شان را بر سر آن نهادند. این مقاومتی است که امروز هم با امتناع از فروش آرمان‌ها در بازار «آزاد»ی خود را نشان می‌دهد.

موضع‌گیری سازمان راه‌کارگر نیز بر بستر درخشش آن دسته از بازماندگان کشتارهای دهه شصت قرار دارد که با غیبت‌شان در این نمایش مضحک و سالوسانه به‌زیبائی درخشیدند. آن دسته از سلحشوران مقاومت در زندان‌ها که امروز نیز نشان می‌دهند که نه فقط در مقابل شکنجه و تهدید اعدام مقاومت کردند، بلکه در برابر وسوسه تبدیل شدن به «شخصیت» نیز مقاومت می‌کنند. دست‌اندرکاران تریبونال شاید گمان نمی‌کردند که کسانی هم بتوانند در مقابل این رشوه «شیرین» مقاومت کنند. اما همه آن بازماندگانی که از این معرکه دور ماندند و همه آن‌هایی که علیه آن ایستادند و عطای فکل لکه و کراوات در مقابل تریبونال محترم را به لقای آن بخشیدند، نشان دادند که چگونه می‌توان آرمان‌های به خاک افتادگان را در ایستادگی امروز - که ساختن فردا را بشارت می‌دهد - پاس داشت. این صفی از رزمندگانی است که با هرتفاوتی، در حراست از میراث انقلابی نسل مبارزان دهه شصت متحدانه ایستاده‌اند. غیبت چهره‌های درخشان مقاومت در تریبونال به‌همان اندازه که اعتبار دروغین آن را زیر سؤال برد، به همان اندازه نیز ایستادگی خود آن‌ها را برجسته نمود. از وحید صمدی تا وزیر فتحی و از همایون ایوانی تا محمود خلیلی و شهاب شکوهی و فرخ قهرمانی و فریده ثابتی و ستاره عباسی و مزده ارسی و بهزاد دشتبانی و سیاوش محمودی و همه دیگرانی که پا به این معرکه نگذاشتند، همه و همه اعتباری را به میان کشیدند که نه تنها حقیقی است، بلکه بخشی از سنگ بنای آینده روشن جامعه ایران نیز خواهد بود.

این تریبونال هم مثل واقعه‌سازی‌های دیگر به پایان می‌رسد. اما آنچه از آن برای انقلاب اجتماعی آینده ایران برجا می‌ماند، نه در درون آن، بلکه در بیرون آن شکل گرفته است. نه با شرکت در آن، بلکه با امتناع از شرکت در آن و این روینده و امید بخش است.»

حزب کار ایران (توفان) اضافه می‌کند که این فیل هوا کردن امپریالیستی- صهیونیستی، این تبلیغات دشمنان واقعی و ریاکار حقوق بشر در جهان، بخشی از جنگ روانی امپریالیستها، برای اپوزیسیون سازی ایرانی، آنهم نه با نام "کنگره ملی عراق"، نه با نام "ارتش آزاد سوریه"، بلکه با یک نام "ایرانی و قومی" است. این سر و صدای ریاکارانه در وضعیت کنونی مورد نیاز امپریالیستهاست تا صدای اعتراض مردم جهان در زورگویی به ایران و

تحریم اقتصادی جنایتکارانه مردم ایران را تحت الشعاع قرار داده و افکار عمومی را از جنایاتی که در منطقه در حال اجراست، منحرف سازد. بخش اعظم این اپوزیسیون همدست تریبونال در خدمت این سیاست و در پا رکابی امپریالیستها فعال است و مدتهاست از کیسه مالی دلار امریکائی، پوند انگلیسی و یورو هلندی تأمین معاش می کند. **تشدید مبارزه طبقاتی** و تکیه بر این اصل که مبارزه برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نه تنها باید با تکیه بر نیروی لایزال مردم ایران تحقق پذیرد، بلکه باید همواره بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و دسیسه های آنها نیز مبارزه نماید، یک امر روشن و شفاف انقلابی برای تعیین جبهه انقلاب و ضد انقلاب، جبهه مبارزان انقلابی و همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

زنده باد سوسوسیالیسم این پرچم رهانی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

۵ تیر [سرطان] ۱۳۹۱ برابر با ۲۵ جون ۲۰۱۲

www.toufan.org